

بخش ۱: ترجمه

۴ نکته ۱: افعال مهم در عربی به شکل زیر ساخته می‌شوند:

- مستقبل: س + سوف + مضارع : سوف یذهب = خواهد رفت
- ماضی استمراری: کان + مضارع : کان یذهب = می‌رفت
- ماضی بعید: کان + قد + ماضی : کان قد ذهب = رفته بود
- ماضی نقلی: قد + ماضی: قد ذهب = رفته است
- ماضی منفی: ما + ماضی = لم + مضارع: ماذهب = لم یذهب: نرفت یا نرفته است
- مضارع منفی: لا + مضارع: لا یذهب: نمی‌رود
- مستقبل منفی: لن + مضارع: لن یذهب: نخواهد رفت

کن	کانتا	کانتُ	کانوا	کانا	کان	صرف فعل کان :
کتن	کنتما	کنتِ	کنم	کنما	کنت	
				کتا	کنتُ	

۱ تذکر: ماضی ساده و ماضی نقلی به جای هم ترجمه می‌شوند.

۲ تذکر: حرف (قد) در ماضی بعید اختیاری است.

۳ نکته ۲: اگر (ل) جاره یا (عند) را بتوان (دارم. داری. دارد...) ترجمه کرد دیگر معنی (برای و نزد) نمی‌دهد.

مثال :

۴ نکته ۳: (لا) نفی جنس که بعد آن یک اسم می‌آید (هیچ نیست) ترجمه می‌شود.

مثال :

۵ نکته ۴: در ترجمه اسم تفضیل (قریا ترین) ذکر می‌شود.

مثال :

۶ نکته ۵: در ترجمه اسم نکره از (ی) یا (یک) استفاده می‌شود.

مثال :

۷ نکته ۶: فعل شرط به شکل مضارع التزامی و جواب شرط به شکل مضارع اخباری ترجمه می‌شود. اگر فعل شرط و جواب شرط ماضی بودند می‌توان آنها را ماضی هم ترجمه کرد.

ادات شرط:

از (اکر)

ذَر (هرگز)

هَذَا (هرچیز)

أَكْرَب (اگر)

® مثال : من فَكَرْ قَبْلَ الْكَلَامِ سَلَمَ مِنَ الْخَطَاةِ :

ترجمه 1: هر کس قبل از سخن گفتن فکر کند از خطأ به سلامت می ماند.

ترجمه 2: هر کس قبل از سخن فکر کرد از خطأ به سلامت ماند.

4 نکته 6: در ترجمه فعل مجهول از کلمه (شد) استفاده می شود.

® مثال :

4 نکته 7(هناک) در ابتدای جمله معنی (وجود دارد یا هست) می دهد.

® مثال :

4 نکته 8: اگر فعل جمله منفی بود و بعد آن (اَلَا) ذکر شد می توان جمله را به شکل

ثبت و با قاکید ترجمه کرد.

® مثال :

4 نکته 9: (قد) قبل از فعل مضارع معنی (کاهی و ندرتاً) می دهد.

® مثال :



اگر هیچ کدام از نکات مذکور جواب نداد گزینه ها را با هم مقایسه می کنیم

1- (يا أَيُّهَا النَّاسُ؛ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّنْ ذَكْرٍ وَأَنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا ...); هان ای مردم (ریاضی 99)

1) همانا ما شما را از یک نر و یک ماده آفریدیم و شما را ملتها و قبایل قرار دادیم تا با یکدیگر آشنایی یابید ...!

2) شما را قطعاً بشکل نر و ماده آفریدهایم و ملتها و قبایل را در شما قرار دادیم باشد که با هم انس بگیرید ...!

3) شما را بدون شک بصورت مذکور و مؤنث آفریدهایم و شعبه‌ها و عشیره‌ها از شما قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید ...!

4) قطعاً ما شما را از یک مرد و یک زن خلق کردیم و به هیئت اقوام و قبیله‌ها پدید آوردیم تا شاید یکدیگر را بشناسید ...!

2- «من أَرَادَ أَنْ يَنْجُحَ فِي حَيَاتِهِ فَلِيَجْعَلِ السُّعْيَ صَدِيقَهُ الْحَمِيمِ وَالتَّجْرِيَةَ مُسْتَشَارَهُ الْحَكِيمِ!»: (ریاضی 99)

1) کسی که خواسته است در زندگیش پیروز گردد، تلاش را دوستی گرم و صمیمی و تجربه را مشاوری حکیم برای خود قرار می دهد!

2) هر کسی که می خواهد در زندگی خود موفق شود باید سعی کردن را دوست صمیمی و تجربه کردن را مشاوری دانایی قرار دهد!

3) آن که پیروز شدن را در زندگیش خواسته است، دوست صمیمی اش را سعی کردن و مشاور داناییش را تجربه قرار می دهد!

4) هر کس بخواهد در زندگی خود موفق بشود، باید تلاش را دوست صمیمی اش و تجربه را مشاور خردمند خویش قرار دهد!

کلاس فکته و قصت عربی ادبی شیخ بهایی

٣- «هناك سبعة نجوم منيرة كمجموعة من الدرر بين مئات آلاف نجمة أخرى في السماء تسمى الدب الأكبر!»:

(ریاضی ۹۹)

(١) هفت ستاره نورانی که چون مجموعه‌ای از مروارید در میان صد هزار ستاره دیگر در آسمان هستند، دبّ اکبر را تشکیل می‌دهند!

(٢) هفت ستاره درخشان که چون مجموعه‌ای از مرواریدها در میان صدھا و هزاران ستاره دیگر در پهنه آسمانند، دبّ اکبر می‌باشند!

(٣) هفت ستاره درخشان همچون مجموعه‌ای از مرواریدها در میان صدھا هزار ستاره دیگر در آسمان وجود دارد که دبّ اکبر نامیده می‌شود!

(٤) هفت ستاره تابان مجموعه‌ای چون مروارید هستند که در میان صدھا هزار ستاره دیگر در پهنة آسمان قرار دارند و دبّ اکبر نامیده می‌شود!

٤- «قوّةُ هذا الإعصار تَسْحَبُ الأَسْمَاكَ إِلَى مَكَانٍ بَعِيدٍ عَلَى بَعْدِ مائَةٍ كيلومتر من المُحيط الأطلسي!»: (ریاضی ۹۹)

(١) قدرت این گردباد ماهیها را به مکانی دور، در فاصله دویست کیلومتری از اقیانوس اطلس می‌کشاند!

(٢) چنین گردبادی با قدرت، ماهیها را به مکان دور، در دویست کیلومتر دورتر از اقیانوس اطلس می‌اندازد!

(٣) نیروی این طوفان ماهیها را بسوی مکان دور، در دویست کیلومتر آن طرفت از اقیانوس اطلس می‌کشاند!

(٤) این گردباد با نیروی زیاد، ماهیها را بسمت مکانی دوردست، در فاصله دویست کیلومتری اقیانوس اطلس پرتاپ می‌کند!

(ریاضی ۹۹)

٥- «عمر نوعٌ من هذه الأشجار الطويلة العجيبة قد يصل إلى أكثر من خمسة وسبعين سنة!»:

(١) یک نوع از این درختهای بلند، عمرش شگفتانگیز است، گاهی به بیش از پانصد سال می‌رسد!

(٢) یک نوع از این درختهای بلند شگفتانگیز، عمرشان قطعاً بیشتر از پانصد سال است!

(٣) عمر نوعی از این درختان که بلند و عجیب هستند قطعاً بیشتر از پانصد سال است!

(٤) عمر نوعی از این درختان بلند عجیب گاهی به بیش از پانصد سال می‌رسد!

کلاس فکته و قست عربی ادب شیخ بهایی

(ریاضی ۹۹)

۶- «یک ساعت تفکر بهتر از هفتاد سال عبادت است!» عین الصّحیح

۱) تفکر ساعهٔ خیرٌ من عبادة سبعين سنة!

۲) الساعة في التفكير أفضل من سبعين سنة العبادات!

۳) التفكير في الساعة خيرٌ من العبادة من سبعين السنة!

۴) ساعة واحدة من التفكّرات أفضل من سنة سبعين من العبادات!

(تجربی ۹۹)

۷- «الفشلُ تحمله صعبٌ ولكنَّه يخلقُ لكَ فرصةً تستفيد منها للنجاح!»:

۱) تحمل شکست دشوار است ولی شکست برای تو فرصتی را می‌آفریند که از آن در پیروزی استفاده می‌کنی!

۲) پذیرش شکست سخت است لکن موقعیت‌هایی برای تو خلق می‌شود که از آن برای پیروز شدن استفاده می‌کنی!

۳) شکست خوردن و پذیرش آن دشوار است اماً موقعیت‌هایی که برای تو خلق می‌کند، از آنها در پیروزی استفاده خواهی کرد!

۴) شکست تحملش سخت است ولیکن برای تو فرصت‌هایی می‌آفریند که از آنها برای پیروز شدن استفاده خواهی کرد!

(تجربی ۹۹)

۸- عین الخطأ:

۱) تجّري مياه الشّلال من الأعلى إلى الأسفل مُتاليةً: آبهای آبشار از بالا به پایین پشت سر هم جاری می‌شوند!

۲) رائحة ماء المستنقعات كريهة لآن لا يتحرّك : بوی آب مردابها ناخوشایند است زیرا حرکت نمی‌کند!

۳) لا عَجَبَ فِي أَنْ تُوجَّلُ أَعْمَالَنَا الْحَسَنَةُ: هیچ تعجبی نیست که در کارهای خوبمان عجله کنیم!

۴) لا يُغُرق فِي المَدْحِ وَ الدَّمْ إِلَّا الأَحْمَقُ: فقط احمق در ستودن و مذمت کردن اغراق می‌کند!

(تجربی ۹۹)

۹- «عالم‌ترین مردم کسی است که علم مردم را بر علم خود افزود!». عین الصّحیح:

۱) أعلم الناس من جمّع علم الناس إلى علمه!

۲) الأعلم الناس من قد يجمع على علمه علم الناس!

۳) الأعلم من الناس الذي يجمع علم الناس إلى علمه!

۴) أعلم من الناس هو الذي قد جمع إلى علمه علم الناس!